

! جهانه در پادگان



در کشور عجیب و غریب کره‌شمالی هفته پیش اولین فست فود افتتاح شد

صبحانه در پادگان

فرزانه سالمی

همیشه می‌دانستیم کره‌شمالی کشور منزوی و مرموزی است اما خبر افتتاح اولین فست فود در این کشور دیگر واقعا برق از سر آدم می‌براند. معنی «اولین» فست فود این است که قبلا این «نماد فرهنگ غربی» اصلا و ابدا در هیچ جایی از کره‌شمالی وجود نداشته اما حالا ظاهرا وسوسه خوردن غذای سریع و خوشمزه به جان مقامات کره‌شمالی هم افتاده. البته حتی در این رستوران هم نکات ایمنی برای دور ماندن از فرهنگ منحط غرب رعایت شده و مثلا هیچ غذایی به اسم همبر گر در آن وجود ندارد!
به جایش در رستوران کذایی یک غذایی به اسم «گوشت چرخ کرده با نان» سرو می‌شود که البته همان همبر گر خودمان است. این رستوران فست فود استثنایی که اسمش هم صدرصد گره‌ای است، با همکاری یک شرکت سنگاپوری تاسیس شده و ظاهرا برای تمام غذاهایش از یک سس تند مخصوص کره‌ای استفاده می‌کند. قرار است هات‌داگ و بعضی غذاهای دیگر هم – البته با اسم‌هایی غیر از هات‌داگ و اینها- به منوی این رستوران اضافه بشود و خلاصه این ماجرا اتفاق مهمی در زندگی مردم این کشوراست.

اما این قضیه یک جنبه دیگر هم دارد: همبر گر این رستوران فست فود قیمتی تقریبا مشابه با چیز بر گر رستوران‌های مک دونالد دارد اما در کره‌شمالی در آمد مردم آن قدر کم است که خیلی‌ها وسعشان به آن نمی‌رسد. درواقع این همبر گر ناقابل نصف در آمد روزانه یک آدم معمولی در کره‌شمالی را خواهد بلعید و معنی‌اش این است که مردم عادی جایی در این رستوران ندارند. اما خب مردم کره‌شمالی نباید خیلی هم ناراحت باشند و امیدشان را از دست بدهند.

آخر رهبر این کشور دستور افتتاح یک رستوران به سبک ایتالیایی را هم صادر کرده است. ظاهرا رهبر کره‌شمالی رستوران‌های صدرصد مدل خارجی را تهدیدی علیه امنیت کشور می‌داند و نگران نفوذ خارجی‌هاست؛ به همین خاطر ترجیح می‌دهد که غذاهای مدل خارجی را با رنگ و بوی کره‌ای تحویل مردم بدهند. او حتی اجازه داده که چند آشپز به ایتالیا بروند و دوره آشپزی ببینند و در بازگشت به وطن از تجربه‌شان در یک رستوران مدل ایتالیایی استفاده کنند. خلاصه که یک هفته است پیتزا هم در کره‌شمالی به دست مردم می‌رسد. واقعا خوشبختی از این بیشتر؟

ظاهرا خیلی از مردم کره‌شمالی سرشان را به زندگی محدودشان در کشور گرم کر ده‌اند و اصلا نمی‌دانند خارج از کره‌شمالی آسمان چه رنگی است. اطلاعات ما درباره کره‌شمالی زیاد نیست اما خب باز بهتر از هیچی است. حالا واقعا در این سرزمین چه خبر است؟

قوانین عجیب و غریب: در کره‌شمالی ساعت بیدار شدن مردم توسط شیپوری تعیین می‌شود که در سراسر شهرها و از طریق بلندگوها پخش می‌شود. ساعت خوابیدن آنها هم توسط سیستم خاموش کردن چراغ‌ها تعیین می‌شود. سیستم پخش پارچه و لباس هم توسط دولت کنترل می‌شود و بیشتر اوقات مردمی که در خیابان دیده می‌شوند، لباس‌های یک شکل و شبیه هم به تن دارند. این مساله در مدارس هم به صورت جدی دنبال می‌شود و خلاصه هر بخشی از زندگی مردم در کره‌شمالی از طریق قوانین خاصی کنترل می‌شود. البته مردم هم این وضع را پذیرفته‌اند. اما از طرف دیگر این قوانین بعضی از شادی‌های اولیه را هم از زندگی مردم دریغ می‌کند؛ مثلا اینکه دوربین به کره‌شمالی وارد نمی‌شود و مردم هم نمی‌توانند آن را تهیه کنند. با وجود این، دولت کره‌شمالی کمک‌های زیادی از خارج دریافت می‌کند و مشخص نیست که آنها را به دست مردم می‌رساند یا بین طبقه خاصی پخش می‌شود.

سریال می‌خواهید چه کار؟ با وجود اینکه مقامات کره‌شمالی حساسی سعی کرده‌اند جلوی ورود هر محصول فرهنگی خارجی به این کشور را بگیرند، ظاهرا سریال‌های ساخت کره جنوبی (مثل «بانگوم» که عشق رهبر کره‌شمالی هم هست) به هر ترتیب راه‌ورود به خانه‌های مردم کره‌شمالی را پیدا می‌کنند.

حکومت مرموز: در کره‌شمالی حرف زدن درباره خانواده رهبر این کشور جرم سیاسی محسوب می‌شود. به همین خاطر شاید اطلاعات ما که خارج از کره‌شمالی هستیم، در این مورد بیشتر از مردم این کشور باشد! اخباری که به رسانه‌های خارجی درز کرده، حاکی از بیماری کیم جونگ ایل، رهبر کره‌شمالی است و حتی گفته می‌شود که او یک

بار دچار سکته مغزی شده. همان کلاغ‌هایی که این خبرها را آورده‌اند، می‌گویند پسر جوان تر رهبر کره‌شمالی به احتمال قوی در آینده جانشین او هم خواهد شد. آقای کیم جونگ ایل البته دو دختر و یک پسر ارشد هم دارد اما ظاهرا این آقا‌زاده به خاطر رسوایی‌هایی که قبلا در خارج بار آورده – مثلا اینکه یک بار در ژاپن به جرم داشتن پاسپورت تقلبی بازداشت شده- از چشم پدر افتاده.

صبحی با ۱۲روزنامه: کره‌شمالی علاوه بر رهبر، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هم دارد اما هیچ کس در سطح دنیا آنها را نمی‌شناسد! ظاهرا آنها پست‌های فرمایشی را به عهده گرفته‌اند و زیاد خودشان را درگیر مسائل کشور نمی‌کنند. کره‌شمالی در عین حال یک کشور تک‌حزبی است و اسم کامل حزب حاکم هم هست «جبهه دموکراتیک برای اتحاد سرزمین مادری». این حزب ترکیبی است از حزب کارگران کره و حزب سوسیال دموکرات کره. در همین حال در کره‌شمالی هیچ رسانه خصوصی‌ای وجود ندارد. ۱۲ روزنامه و ۲۰ نشریه دیگری که در این کشور چاپ می‌شوند، کاملا تحت نظر دولت هستند و همه در پیونگ یانگ چاپ می‌شوند.

شوخی نداریم: مردم کره‌شمالی طبق عادت به کیم جونگ ایل می‌گویند «ژنرال». بیره هم نیست چون کره‌شمالی در مقایسه با جمعیت و مساحتش، یکی از نظامی‌ترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود. ارتش کره‌شمالی ۱/۱ میلیون نیرو دارد و خدمت سربازی هم در این کشور اجباری است و مدت خدمت حتی گاهی به ۱۰ سال هم می‌رسد.

رسانه‌های دولتی می‌گویند ارتش کره‌شمالی «شکست‌ناپذیر» است اما به هر حال توان واقعی آن مشخص نیست. بعضی‌ها معتقدند در سطح مدیریت ارتش کره‌شمالی فساد زیادی وجود دارد و روحیه و انگیزه سربازان هم خیلی بالا نیست. گاهی بی‌انگیزگی سربازان به جایی می‌رسد که آنها حتی از بازرگانان چینی در مرز هم رشوه می‌گیرند. اما باز هم راهی برای تأیید این حرف‌ها وجود ندارد.



کیم جونگ ایل ماه پیش در انظار عمومی ظاهر شد و به شایعات درباره سلامتش پایان داد

تصاویر خیلی کمی از اولین فست فود کره شمالی منتشر شده؛ این یکی از آنهاست



صبحگاه یک کارخانه در پیونگ یانگ / عکس: کوریس

علیه هرچی خارجی: این شعار همیشه از سوی حکومت کره‌شمالی ارانه شده. به همین خاطر است که خبرنگاران و عکاسان خارجی جایی در این کشور ندارند. تصاویر زیادی از کره‌شمالی به خارج از این کشور مخایره نشده و به همین دلیل کره‌شمالی واقعا کشور مرموزی به نظر می‌آید.

وقتی خارجی‌ها وارد کره‌شمالی می‌شوند، حتما نیروهای پلیس امنیت آنها را همراهی می‌کنند تا کسی دست از پا خطا نکند. مقامات کره‌شمالی تصورشان این است که اگر یک خارجی در خیابان‌ها راه بیفتد و با مردم عادی حرف بزند، قطعاً دردسر بزرگی درست خواهد شد. اما همین مقامات گاهی در فرستادن اتباع کشورشان به خارج و کار کردن آنها و واریز شدن مستقیم درآمدشان به خزانه دولت کره‌شمالی نرمش نشان می‌دهند.

شرط آنکه دولت کره‌شمالی کسی را برای کار به خارج اعزام کند، این است که او «شهروند مورد اعتماد» باشد و از حقوقش هم چیزی نخواهد. بر اساس آمار موجود، بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر از مردم کره‌شمالی از طرف دولت در خارج از کشور کار می‌کنند و حقوقشان را هم دولت می‌گیرد و پول ناچیزی – بین ۲۰ تا ۳۰دلار- به خودشان

می‌رسد. کشورهایی که کارگر از کره‌شمالی قبول می‌کنند، اینها هستند: روسیه، لیبی، عربستان سعودی، بلغارستان، انگولا و جمهوری چک. کارگری که در چنین شرایطی از کره‌شمالی خارج می‌شود در واقع خانواده‌اش را در کشور گروگان می‌گذارد اما‌باز، خیلی‌ها مشتاقند این کار را انجام بدهند.

کجا با این عجله: تمام بخش گردشگری و توریسم در کره‌شمالی توسط دولت کنترل می‌شود. هزینه سفر و اقامت در کره‌شمالی هم برای این توریست‌ها زیاد نیست. البته

همشهری جوان

شماره ۲۲۲ • ۱۷ مرداد ۸۸



در پیونگ یانگ آب لوله‌کشی، بهداشتی و قابل شرب نیست

هر کسی نمی‌تواند سرش را پایین بیندازد و به عنوان توریست وارد کره‌شمالی شود! مثلا به اتباع آمریکا و کره جنوبی ویزایی برای سفر به کره‌شمالی داده نمی‌شود.

قحطی بدون یوزارسیف: مشکلات اقتصادی کره‌شمالی در زمان‌های مختلف شکل‌های مختلفی داشته. این مشکلات در دهه ۱۹۹۰ به شدت افزایش پیدا کرد و ظاهرا طبیعت هم با مردم این کشور سر ناسازگاری داشت. در این دهه در کره‌شمالی قحطی غذا پیش آمد و تولید گندم مورد نیاز کشور هم کاهش قابل توجهی داشت. نتیجه این شد که در یک دوره ۳ساله که در سال ۱۹۹۷ میلادی به اوج رسیده بود، عده زیادی از مردم کره‌شمالی به خاطر گرسنگی از بین رفتند. آمار متناقضی در این مورد وجود دارد و منابع مختلف از تلف شدن ۸۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر از گرسنگی خبر می‌دهند. البته بخشی از تلفات قحطی بر اثر ضعیف شدن و ابتلای مردم به بیماری‌هایی مثل ذات الریه و سل و اسهال بوده است. نظر کارشناسان بدبین این است که تعداد زیادی از مردم کره‌شمالی هنوز هم دچار سوء تغذیه‌اند و وضعیت عادی ندارند.

عصر جدید: ظاهرا وضعیت تغذیه مردم کره‌شمالی در یکی دو سال اخیر بهبود پیدا کرده. اما بیشتر مردم این کشور هنوز هم مجبورند به ۲ وعده غذا در روز قناعت کنند. گزارش‌هایی وجود دارد که بعضی سربازان تنها روزی ۳عدد سیب زمینی به عنوان غذا دریافت می‌کنند. البته کشاورزی هنوز هم در کره‌شمالی جزو منابع اصلی تأمین مواد غذایی است. با اینکه کره‌شمالی مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته اما هنوز مردم اوضاع خوبی ندارند. البته خود این مساله هم نارضایتی‌های شدیدی را در میان مردم به وجود آورده. آنها می‌گویند در زمان رهبر پیشین – یعنی پدر همین آقای کیم جونگ ایل – سیستم کاملا اشتراکی بود و مردم نباید برای غذا پول می‌پرداختند اما حالا وضع فرق کرده است.



این عکس هیچ ویژگی خاصی ندارد به شرط اینکه ندانیم محل عکاسی پیونگ یانگ، یا بنخت کره‌شمالی است که پیتزا یک فرن دیرتر از همه‌جا به آن رسیده‌است

این عکس هیچ ویژگی خاصی ندارد به شرط اینکه ندانیم محل عکاسی پیونگ یانگ، یا بنخت کره‌شمالی است